

ج. ر. جانسون

قسمت دوم یک سری مقالات درباره استالینسم

روسیه دولتی کارگری نیست

( ۸ آوریل ۱۹۴۶ )

ترجمه: ژاله سهند

---

از جنبش کارگر، جلد X شماره ۱۴، ۸ آوریل ۱۹۴۶، ص. ۳

رونویسی و علامت گذاری شده توسط Einde O'Callaghan برای بایگانی اینترنتی مارکسیست ها.

---

حزب کارگر این موضع را اتخاذ نموده که روسیه استالینیستی یک دولت بوروکراتیک-اشتراک گرایانه است، نوعی نظم اجتماعی که قبلاً دیده نشده است، که توسط ماهیت ایزوله شده انقلاب اکبر و ناتوانی در گسترش آن به سایر نقاط جهان ایجاد گردیده است.

حزب کارگران مهمتر از همه این تصور را که روسیه نوعی دولت کارگری است، را رد می نماید.

برای حزب کارگران، دولت کارگری باید دولتی باشد که کارگران بر آن حاکم باشند. شکل دولتی حکومت کارگران، شورای کارگری یا کلکتیو است. این نشانه بارز آن، ضامن دموکراسی کارگری است و ارزش توصیف کردن را دارد.

در دموکراسی سرمایه داری، انتخابات بر اساس فردیت به مثابه یک شخص در نظر گرفته میشود. سرمایه دار یا کارگر، کشاورز یا دزد اسب، هر فرد، هر چیزی شغل او باشد، یک رای دارد. همه کسانی که در یک منطقه جغرافیایی زندگی می کنند، یک واحد را تشکیل می دهند، بطور مثال، برونکس، کوئین، ایالت نیویورک.

## دولت شوروی چیست؟

شکل واقعی دولت شوروی کاملاً متفاوت است. انتخابات بر اساس نوع کار فرد انجام می شود. کارگران کارخانه های منفرد نمایندگان کارگران را انتخاب می کنند. کشاورزان نمایندگان کشاورزان را انتخاب می کنند. کارگران یقه سفید (کارکنان دفتری) بر اساس کار سازمان خاص خود، نمایندگان را انتخاب می کنند. از نظر تئوری، بنابراین، با وجود تمام صنایع سنگین در دست دولت، برابری حقوقی افراد تا آنجاییکه به حق انتخاب مربوط میشود وجود دارد. به عنوان مثال یک کارخانه بزرگ بیشترین تعداد نمایندگان را خواهد داشت. بنابراین در چنین انتخاباتی، بار کارگر بسیار زیاد است. و این دقیقاً همان چیزی است که لنین و تروتسکی و بلشویک های اولیه به آن بمثابة چیزی تعیین کننده و جدید در قانون اساسی روسیه نگاه افکنند.

ما باید درک کنیم که هیچ کس فرم اتحاد جماهیر شوروی را اختراع نکرده است. این رخ داد و فقط توانست در دوره تولید سرمایه داری در مقیاسی بزرگ بوجود آید. در سال ۱۸۷۱، هنگامی که کارگران پاریس کمون معروف را بر پا نمودند، انتخابات آنها به روش سنتی پارلمانی برگزار گردید. اما در سال ۱۹۰۵، هنگامی که کارگران روسیه بر علیه تزارسم قیام کردند، آنها مشتاق بودند که وسیله ای برای بسیج خود در برابر بوروکراسی تزاری و پلیس تزاری پیدا کنند. آنها سازمانی از آن خود می خواستند تا مشکلاتشان را بحث کنند و دفاع و حمله را برنامه ریزی نمایند.

چگونه انجامش بدهیم؟ آنها نتوانستند لیست های انتخاباتی تهیه نمایند و هیچگونه پروسه دقیقی را سازمان بدهند وضعیت خیلی فشار آور بود. آنها از واقعیت کار کردن در کارخانجات استفاده نمودند. از هر کارخانه ای آنها نمایندگانی را انتخاب کردند. آن کارخانجاتی که کوچکتر بودند به نیروهای دیگر پیوستند تا یک نماینده انتخاب نمایند، و بدین ترتیب شوراها زاده گشتند.

## قانون اساسی شوروی

در سال ۱۹۱۷، کارگران دوباره به همان رویه عمل کردند؛ دهقانان از آنها پیروی نمودند و به همین ترتیب سربازان. در حواشی اکتبر سال ۱۹۱۷، شبکه ای روسیه را تحت پوشش خود قرار داده، توده های بزرگی از مردم را به انسان که هیچوقت نمایندگی نشده بودند، نمایندگی نمودند. لنین با دیدن این نمونه شگفت انگیز از ابتکار عمل و کاردانی کارگران،

گفت که احتیاجی به ابداع هیچ نوع قانون اساسی جدیدی نیست. قانون اساسی دولت کارگران صرفاً قانونی و رسمی نمودن فرم خودجوشی است که توسط خود کارگران کشف گردیده است.

این قانون اساسی شوروی بود. امروز کارگران ایالات متحده می توانند قضاوت نمایند که آیا منافع آنها در کنگره حاضر بهتر از آن نوع دولت در واشنگتن نمایندگی می شود یا نه. همچنین چیزی تئوری دولت کارگران و قانون اساسی کارگران بوده و هست.

### استالین شوراها را بر می اندازد

در سال ۱۹۳۵، استالین قانون اساسی شوروی را لغو کرد. امروز در روسیه، آنها بطور فردی بر اساس حق قدیمی رای همگانی رای می دهند. بوروکراسی اکنون قدرت خود را مستحکمانه برقرار کرده است. این دیگر نه می تواند برپایی انتخابات شوراها توسط خود کارگران باشد و نه انتخابات آزاد.

آیا این برای کارگران آمریکایی اهمیتی داشت؟ اینطور است در یک مضمون بسیار مهم. تا ۱۹۳۵، انترناسیونال کمونیستی، علیرغم بسیاری از تعویضات ویژه و تغییرات در سیاست، حداقل در پرنسپ دو دکترین اساسی را حفظ کرده بود:

این کشور در یک جنگ امپریالیستی، از حمایت از هر کشوری، هر چند دمکراتیک، خودداری نمود.

آن با همه کاندیداها، مانند روزولت، برای پارلمان های بورژوازی، هر چند "مترقی" مخالفت نمود. کارگران سازمان یافته باید، در پرنسپ، کاندیداها را سرمایه داری را حمایت نکنند.

در سال ۱۹۳۵ قانون اساسی شوروی لغو شد.

در سال ۱۹۳۵، انترناسیونال کمونیستی برای حمایت از امپریالیستهای "دموکراتیک" در جنگ آتی، کمپین خود را در فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آغاز نمود.

در سال ۱۹۳۶، حزب کمونیست ایالات متحده از روزولت برای پرزیدنسی حمایت نمود. اقدام ارتجاعی فسخ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی در روسیه، صرفاً مقدمه ای برای آشکارترین دست کشیدگی از پرنسپهای انقلابی توسط بین الملل

کمونیزستی در خارج از کشور بود. این استالینیزم است. درک آن و ننگه داشتن آن کلیدی به نصف سیاست در جهان امروز است.

J.R. Johnson

Part II of a Series on Stalinism

Russia No Workers' State

(8 April 1946)

<https://www.marxists.org/archive/james-clr/works/1946/04/stalinism2.html>